لا إله إلا الله
مكتبة الموحدين
انتشار کتب و مقالات فرمت pdf

حکم شرعی عملیات استشهادی

نویسنده: شیخ حمود بن عقلاء الشعیبی رحمه الله

حکم شرعی عملیات استشهادی

نویسنده:

شیخ حمود بن عقلاء الشعیبی رحمه الله

مترجم:

ابو عبیده الکردی -فک الله اسره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه و من والاه، اما بعد؛

سوال: آیا عملیات استشهادی جائز است که فرد خودش را منفجر می کند!؟

همانطور که می دانید مجاهدین در فلسطین و شیشان و غیر آن دو، از سرزمین های مسلمانان با دشمنانشان می جنگند و آن ها را از شدتشان پایین می آورند و این کار را از طریقی انجام می دهند که به آن عملیات استشهادی می گویند این عملیات به این شیوه می باشد که یکی از مجاهدین به وسیله متفجرات خود را آماده می کند و آن را مثل یک جلیقه برتنش می کند یا مواد را در جیبش جاساز میکند یا آن را در وسایلش می گذارد یا ماشینش را از بشکه های انفجاری مجهز می کند سپس به تجمعات دشمن حمله می کند یا در ظاهر خودش را تسلیم نشان می دهد، سپس به نیت شهادت و محاربه ی دشمن و ضربه به آنان، جانش را فدا میکند و خودش را منفجر می کند.

حکم شرعی اینچنین عملیات هایی چیست؟

آیا این خودکشی (انتحاری) میباشد؟

فرق بین خودکشی (انتحاری) و استشهادی (شهادت طلبانه) در چیست؟

پاسخ: الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین. أما بعد؛

قبل از اینکه به این سوال جواب دهیم باید بدانیم که اینچنین عملیاتهایی جزء نوازل (پدیده جدید) می باشد که قبلاً به این شیوه معروف نبوده و در هر زمانی نیز نوازل پیش می آید که در نتیجه علما در آن اجتهاد می کنند و نصوص و عمومات و کلیت ها و حادثه ها و واقعه های مشابه آن را بررسی می کنند و همینطور به فتواهای سلف در این زمینه توجه می کنند

الله تعالی می فرماید: ﴿ما فرطنا فی الکتاب من شیء﴾

«ما در کتاب (لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم».

و رسول خدا ﷺ در مورد قرآن می فرماید: «این جدایی حق از باطل است که در میان شما می باشد».

و براستی عملیات استشهادی به این شیوه عملی مشروع و جزئی از جهاد فی سبیل الله می باشد، آن هم زمانی که نیت انجام دهنده آن خالص باشد از راجح ترین سبب های جهادی و ضد دشمن می باشد چون ضربات ویرانگری از قبیل مرگ و زخمی شدن به آنان وارد میکند که همراه اینها رعب و ترس شدید را نیز در بین آنها ایجاد می‌کند و جرأت مسلمانها را بر آنها افزایش می دهد و قلوب آنها را تقویت می کند و قلوب دشمنان را می هراساند و روحیه ی آنها را پایین می آورد و ضربه و کینه و اهانت به دشمنان اسلام را به همراه دارد و غیر از اینها نیز مصلحت های جهادی دیگری را نیز در بر دارد.

دلیل هایی از قرآن و سنت و اجماع و واقعه ها و اتفاقاتی که انجام گرفته و در این زمینه وجود دارد بر جائز بودن ان دلالت دارد و همینطور از علمای سلف نیز فتواهایی وجود دارد، که ان شاء الله ان را بیان می کنیم.

دلایل از قرآن:

- **اول:** ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [سوره البقرة ٢٠٧]

«از مردمان کسی هست که جان خود را برای به دست آوردن خشنودی خدا می فروشد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

پس براستی صحابه رضي الله عنهم از این آیه برای حمله کردن شخص به داخل دشمن استنباط می کردند همانطور که عمر بن خطاب و ابو أیوب الأنصاری و ابو هریره رضي الله عنهم، نقل کرده اند و ابو داود و ترمذی

و حاکم آن را نقل کرده اند و ابن حبان آن را صحیح دانسته است.

- **دوم:** این فرموده‌ی الله متعال: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾ [سوره التوبة: ١١١]

«بی گمان خداوند از مؤمنان جانهایشان و اموالشان را خریده است ، به (بهای) اینکه بهشت برای آنها باشد. (بدین صورت که)؛ در راه خدا جنگ می کنند، پس می کشند، و کشته می شوند».

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: «اکثر علما نازل شدن آن را برای هر مجاهد فی سبیل الله می دانند».

- **سوم:** الله تعالی فرموده: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ [سوره الأنفال: ۶٠]

«وآنچه از نیرو در توان دارید؛ برای (مقابله با) آنها آماده سازید, و (همچنین) از اسبان بسته (ی ورزیده, مهیا کنید) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید».

و عملیات استشهادی از جمله قدرت هایی است که دشمنان را می ترساند.

- **چهارم:** الله تعالی در مورد یهودی های عهد شکن می فرماید: ﴿فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ [سوره الأنفال: ۵٧]

«پس اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی, چنان به آنان حمله ببر تا کسانی که پشت سر آنها هستند (بترسند و) باشد که پند گیرند».

دلایل از احادیث:

- **اول:** داستان غلام و قصه ی مشهورش که در حدیث آمده، از این جهت که طریقه ی مرگ خودش را به آنها نشان می دهد و آنها هم او را می کشند و شهید فی سبیل الله میشود، این هم نوعی از جهاد می باشد که نفع عظیمی و مصلحتی بزرگ را برای مسلمانان به ارمغان آورد از آن جهت که این سرزمین به دین الله روی آوردند و گفتند به پروردگار این غلام ایمان آوردیم.

تشبه دلالت: این غلام نفسش را بخاطر مصلحت مسلمانان فدا کرد و سبب مرگش شد، طریقه مرگ را خودش به آنها نشان داد در حالی که آنها طریقه کشتن غلام را غیر از طریقه ای که خود غلام درکشتنش به آنها نشان داد نمیدانستند، پس در نتیجه غلام سبب مرگ خودش شد که این سبب مرگ شدن در باب جهاد چشم پوشی شده است. که مجاهد استشهادی نیز این کار را انجام می دهد و به خاطر مصلحت جهاد نفسش را فدا می کند که در دین ما اصولی برای آن وجود دارد، اینطور که شخص به نیت اجر به پا میخیزد و امر به معروف و نهی از منکر می کند و مردم به وسیله آمورش هدایت میشوند و از نهی از منکرش راهنمایی میشوند تا اینکه در این راه کشته می‌شود که مجاهد شهید میباشد و این مثال حدیث پیامبر ﷺ میباشد که میفرماید: «با فضیلت ترین جهاد گفتن کلمه حق نزد سلطان است». جائر میباشد

- **دوم:** فعل براء بن مالک در معرکه "الیمامه" که او را بر سپر سوار کردند و سپر را بر روی نیزه ها گذاشتند و با قدرت آن را به طرف دشمن پرتاب کردند که آنقدر جنگید تا توانست در را باز کند و هیچکدام از اصحاب نیز منکر این کار نشدند این داستان در کتاب السیر در باب التبرع بالتعرض للقتل و در تفسیر قرطبی و أسد الغابة و تاریخ طبری آمده است.

- **سوم:** همینطورکه سلمة بن أکوع و أخرم أسدی و ابوقتاده که به عیینة بن حصن و همراهانش حمله کردند، در حالی که اینها فقط سه نفر بودند و رسول خدا ﷺ کار اینها را تحسین کرد و فرمود بهترین مردان ما سلمة بن أکوع میباشد. [متفق علیه]

ابن نحاس رحمه الله میفرماید: «در این حدیث صحیح ثابت دلیل وجود دارد برای کسی که به تنهایی بر یک جمع زیاد از دشمن حمله کند با وجود اینکه ظن غالب دارد که کشته میشود و این هم مشروط به نیت خالص در طلب شهادت می باشد، همانطور که سلمة بن أخرم اسدی این کار را کرد، و پیامبر ﷺ از او ایراد نگرفت و صحابه را از مثل این کار نهی نکرد.

بلکه در این حدیث نیز استحباب این کار و فضل این کار ثابت است، چون پیامبر ﷺ ابوقتاده و سلمه را بخاطر کارشان تمجید کرد همانطور که قبلاً اشاره کردیم، و این را بدانیم که هر کدام از آن ها تنهایی به دشمن حمله کردند و منتظر نشدند تا مسلمانان به آنان ملحق شوند.

- **چهارم:** یا کاری که هشام بن عامر انصاری با جان خودش در بین دو صف بر دشمن زیاد، انجام داد که بعضی از مردم از وی ایراد گرفتند و گفتند خودش سبب هلاکت خودش میشود که امام عمر و ابو هریره رضی الله عنهما حرف آنها را رد کردند و این آیه قرآن را آوردند:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [سوره البقرة: ۲۰۷]

«از مردمان کسی هست که جان خود را برای به دست آوردن خشنودی خدا می فروشد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

- **پنجم:** ابو حدرد الاسلمی و دوتا دوستش، که بر لشکر عظیم حمله کردند که تعدادشان کمتر از چهار نفر بود الله تعالی آنها را بر مشرکین پیروز کرد که ابن هشام و ابن نحاس در سیره و مشارع آن را نقل کرده اند.

- **ششم:** فعل عبدالله بن حنظله غسل داده شده از آن جهت که در یکی از معرکه ها جنگید و سپرش را پرت کرد و آنقدر جنگید تا کشته شد، که ابن نحاس آن را در مشارع آورده است.

- **هفتم:** بیهقی در سنن خودش نقل کرده که مردی از ابو موسی این حدیث را شنید: «بهشت زیر سایه شمشیر است»، مرد به پا خواست و غلاف شمشیرش را شکست و به شدت به طرف دشمن حمله کرد، سپس جنگید تا کشته شد.

- **هشتم:** قصه انس بن نضر ﷺ که در معرکه احد فرمود: «بوی بهشت می آید»، سپس به سپاه دشمن داخل شد تا کشته شد.

اجماع:

ابن نحاس ﷺ در مشارع الاشواق از "مهلب" نقل کرده است که: «بر جواز حمله به جاهای مهلک آور، در جهاد، اجماع وجود دارد».

و از غزالی ﷺ در الأحیاء نقل است که: «هیچ اختلافی در این زمینه وجود ندارد که مسلمانی به سپاه دشمن حمله کند هر چند بداند که کشته میشود».

و امام نووی ﷺ در شرح مسلم میفرماید: «علما متفق هستند بر اینکه شخصی به داخل دشمن می رود و در جهاد از بین میرود». و این را در شرح حدیث (غزوه ذی قرد) آورده است.

این هفت حادثه همراه نقل قولهایی که در مورد اجماع گفته شده همان مساله ای است که فقها آن را در کتاب هایشان آورده اند و اینطور از آن اسم میبرند "حمله یک نفر بر دشمن زیاد" و گاهی اوقات نیز در "ورود به صف یا از بین بردن نفس در جهاد" آن را نام گذاری کرده اند.

امام نووی رحمه الله در شرح مسلم در باب "جنت برای شهید ثابت است" میفرماید: «در این حدیث جواز فرو رفتن در صف کفار و برای طلب شهادت جواز وجود دارد. و بدون هیچ کراهتی نزد جمهور علما جائز است».

و همچنین امام قرطبی رحمه الله جواز این نوع عملیات ها (حمله بردشمن) را از بعضی از علمای مالکی نقل کرده است که حتی بعضی از آنان فرمود اند: «اگر چه یک نفر بر صد نفر یا تمام لشکر و غیر آن حمله کند و ظن غالب داشته باشد که کشته میشود به این شرط که به دشمن ضربه وارد کند یا ضربه ای به آنها بزند که به مسلمانان نفع برساند این نوع هم جائز است».

و از محمد بن حسن شیبانی نقل کرده است که میفرماید: «اگر یک نفر به هزار مشرک حمله کند در حالی که تنها باشد هیچ مشکلی در ان وجود ندارد به این شرط که طمع در نجات یا ضربه زدن به دشمن در قصدش باشد».

و وجه استدلال در مسئله حمله به دشمن زیاد، به تنهایی یا انغماسی (فدایی و شهادت طلبانه) در صف دشمن و فدا کردن نفس و عرضه کردن آن برای نابودی، تطبیق داده شده است، بر مسئله مجاهدی که خودش را در صف دشمن وارد میکند و کاملاً در تجمع آنها گم می شود، پس قتل و اصابت و ضربه مهلک آور را بر ضد آنان به انجام میرساند.

وقایع و حوادثی که عملیات استشهادی بر آن اثبات می شود:

۱- مسئله تترس(سپر قرار دادن انسان):

اگر کفار مسلمانان را به عنوان سپر انسانی مورد استفاده قرار دادند و مجاهدین نتوانستند بخاطر سپر قرار دادن مسلمانان، با کفار بجنگند و هیچ راهی به جز از بین بردن آن سپر انسانی نبود جائز است که این سپر را از بین ببریم.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مجموع الفتوی میفرماید: «علما بر این اتفاق دارند بر اینکه اگر لشکر کفار از مسلمانان اسیر به عنوان سپر انسانی استفاده کردند و ترس رفت که اگر این جنگ اتفاق نیوفتد

به مسلمانان ضرر برسد، پس براستی مسلمانان میجنگند هر چند منجر به کشتن مسلمانان اسیری که به عنوان سپر استفاده می کنند، شود».

ابن قاسم ﷀ در حاشیه الروض میفرماید: «اگر مسلمانی را به عنوان سپر قرار دادند، جائز نیست به طرف آن تیر پرتاب شود مگر اینکه از مسلمانان ترس داشته باشیم که مورد هدف قرار گیرند و قصد و هدف کفار باشند و این بدون اختلاف میباشد».

و وجه دلالت تترس (سپر قرار دادن انسان) در این مورد که جائز است به کفار حمله شود، هر چند منجر به قتل مسلمان توسط مسلمانان دیگر با دست و اسلحه هایشان شود. در تترس ، علت و آنچیزی که علت به آن وصل است حاصلش این میشود که میتوان به دشمن ضربه زد و آنها را از بین برد هر چند مسلمانی هم کشته شود در نتیجه قربانی شدن مسلمانان مورد سپر واقع شده را به همراه دارد. و سببش حمله به دشمن و ضربه زدن به آنان میباشد، که این در مسئله ی عملیات استشهادی یک مجاهد با جان خودش برای رسیدن به دشمن و ضربه زدن به او، به وضوح دیده می شود.
البته قتل مسلمانان مورد سپر واقع شده شدیدتر میباشد، بخاطر اینکه کشتن یک مسلمان دیگری جرمش بالاتر از این است که یک مسلمان خودش را بکشد چون قتل غیر برای آنها ظلم به شمار می آید و برای آنها حساب می شود و ضررش مورد حساب واقع میشود.
اما اگر مسلمانی خودش را بکشد ضررش خاص خودش میباشد که در باب جهاد از آن چشم پوشی شده است حال که اینطور شد وقتی از بین بردن چندین مسلمان بخاطر جنگ با کفار به دست مسلمانان دیگر جائز میباشد پس از بین بردن نفس خود انسان برای ضربه زدن به دشمن مانند هم یا آسانتر از آن میباشد. وقتی در هر دو مقصد، ضربه زدن به دشمن و جنگ با آنان میباشد پس به طریق الاولی عملیات استشهادی جرمش کمتر از کشتن یک مسلمان در حال تترس میباشد و در حدیث هم آمده است: «انما الاعمال بالنیات». و در این استدلال ردی وجود دارد به کسانی که میگویند مسئله انغماسی و حمله به دشمن، شخص حمله کننده به دست کفار و بوسیله اسلحه آنان از بین برده میشود.

ما هم در جواب میگوییم: اینطور نیست چون در مسئله تترس و سپر قرار دادن مسلمانان، مسلمان با دست و اسلحه مسلمانان کشته میشوند به همین خاطر قتل مسلمان مورد سپر واقع شده در باب قتل های معصیت که شامل عذاب و وعده و وعید میباشد، قرار نمیگیرد.

۲- مسئله شبیهخون زدن:

همانطور که میدانیم در مسئله حمله کردن به منازل کفار زن و بچه نیز کشته میشوند، در حالی که در دین ما جائز نیست.

ابن قدامه ؒ میفرماید: «شبیهخون زدن به دشمن جائز میباشد». و امام احمد ؒ میفرماید: «حمله به منازل و شبیه خون زدن هیچ مشکلی در آن نیست و آیا مگر در حمله به روم ، غیر از حمله به منازل آنان بود؟!».

و همچنین میفرماید: «کسی را سراغ ندارم که از حمله به منازل و شبیهخون اکراه داشته باشد و وجه دلالت این میباشد که وقتی که کشتن کسی که قتلش جائز نیست، جائز باشد آن هم بخاطر حمله و شکست دشمن، پس گفته میشود یک مجاهد مسلمان نیز در همچنین حالاتی قرار میگیرد و زنان و بچه های کفار در منازلشان به دست کسانی کشته میشوند که اگر مسئله جهاد و نیت نباشد برای آنها جائز نمی باشد».

خلاصه و جمع بندی

هر چه را که گفتیم بر این دلالت میکند که برای یک مجاهد جائز می باشد که خودش را در صف دشمن فرو کند و عملیات استشهادی انجام دهد و بخاطر جهاد و ضربه زدن به دشمن نفس خودش را از بین ببرد، هرچند به وسیله اسلحه کفار و دستان آنان باشد همانطور که در مسئله ورود به صفوف دشمن و حالت انغماسی آن را مطرح کردیم یا اینکه با اسلحه مسلمانان و دست های آنان باشد همانطور که در مسئله تترس و سپر واقع شدن به آن اشاره کردیم یا به هر دلیلی که سبب از بین بردن نفس انسان شود همانطور که در داستان غلام آمده بود، تمام این شیوه ها جائز میباشد و در باب جهاد آمده است بخاطر اینکه در باب جهاد مصلحت های عظیمی وجود دارد، از مسائل زیادی چشم پوشی میشود، که این چشم پوشی ها در مسائل دیگر وجود ندارد مانند: دروغ گفتن، مکر و فریب همانطور که در سنت آمده است و در آن جواز کشتن کسی آمده است که در اصل جائز نیست و این در مسئله جهاد اصل می باشد که همینطور که می بینید، مسئله عملیات استشهادی در این باب داخل شده است.

و اما تشبیه استشهادی به انتحاری قیاس مع الفارق می باشد، که در بین آنها فرق هایی وجود دارد که نمیتوان گفت آن دو مثل هم هستند چون در خودکشی قتل نفس به خاطر جذع و عدم صبر یا نا امیدی و عصبانیت از قدر یا اعتراض به حالت موجود و عجله برای مرگ یا آزادی از دردها و جراحت ها و تعذیب یا نا امیدی از شفا وجود دارد، که شخص ترسو نا امید و از چیزی عصبانی شده است که غیر رضایت الله تعالی را به همراه دارد در حالی که در عملیات استشهادی شخص و نفس انسان شاد و با بشارت برای شهادت و بهشت و نصرت دین و آنچیزی که نزد خداست و ضربه به دشمن و جهاد در راه الله میباشد، که این دو مساوی نیست.

الله متعال میفرماید: ﴿أفنجعل المسلمين كالمجرمين ✿ مالكم كيف تحكمون﴾ [سوره قلم: ۳۵و۳۶]

«آیا مسلمانان را همچون مجرمان (وگناهکاران) قرار می دهیم؟! ✿ شما را چه شده است, چگونه داوری می کنید؟!».

و همچنین می فرماید: ﴿أم حسب الذین اجترحوا السیئات أن نجعلهم کالذین آمنوا وعملوا الصالحات سواء محیاهم ومماتهم ساء ما یحکمون﴾ [سوره الجاثیة: ۲۱]

«آیا کسانی که مرتکب بدیها شدند, گمان کردند که (ما) آنها را همچون کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده اند وکارهای شایسته انجام داده اند, که زندگی شان ومرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری میکنند!».

﴿أفمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون﴾ [سوره السجده: ۱۸]

«آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که فاسق است؟! (نه) هرگز برابر نیستند».

از الله تعالی درخواست میکنیم که دینش را پیروز کند و سربازانش را عزت دهد و دشمنانش را نابود کند. آمین